

رفتار مطلوب اجتماعی در تربیت و سیره علوی

محمد رضا هاشمی نیا

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹-۰۷-۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹-۱۰-۲۸

چکیده

افراد در جامعه اسلامی اگر بخواهند رفتار فردی و اجتماعی مطلوبی داشته باشند، بهترین الگو برای آنها رفتار و تربیت سیره علوی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی های رفتار مطلوب اجتماعی در تربیت و سیره علوی به روش تحقیق توصیفی و جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و اسنادی صورت گرفته است. در پاسخ به این پرسش ها که ویژگی های رفتار مطلوب اجتماعی در تربیت و سیره علوی کدامند؟ و سیره تربیتی ایشان به عنوان تعلیم دیده مکتب نبوت در برهه های مختلف زندگی یعنی در آغاز نبوت پیامبر(ص)، قبل از خلافت و در زمان خلافت چه رویکردی داشت؟ یافته مقاله حاضر، این است که رفتار اجتماعی و سیاسی امام علی(ع) از معنویت، اخلاق و ایمان منشأ گرفته و ایشان همزمان به دو بعد شخصی و اجتماعی شخصیت انسانها توجه داشته و این دو را از هم جدا نمی دانست. در سیره امام، هدف از تربیت، آشنا ساختن مردم به وظایف و مسئولیت- هایشان و همچنین ایجاد یکپارچگی و همدلی بین مردم و دوری از تفرقه و تصحیح کاستی ها و رسیدن افراد و جامعه به کمال مطلوب و نهایی یعنی جامعه اسلامی و الهی بود.

واژگان کلیدی: رفتار مطلوب اجتماعی، تربیت و سیره علوی، امام علی (ع)، جامعه اسلامی.

مقدمه

رفتار اجتماعی و سیاسی در تربیت و سیره علوی توجه ویژه ای به عدالت و اصلاح عامه مردم دارد، امام علی (ع) از هر فرصتی بهره می گرفت تا مردم و کارگزارانش را به رعایت عدالت و پرهیز از ستمگری دعوت نماید. ایشان که تربیت شده مکتب پیامبر (ص) بود، همواره در جبهه حق قرار داشت و عدالت، شجاعت، ایمان و جوانمردی اش نمای زیبایی از اسلام واقعی را منعکس می ساخت. جهاد، ایثار، تقوا، پاسداری از اسلام، ستیز با شرک، دانش و عمل صالح، عالی ترین نمونه هایی از ویژگی های رفتاری ایشان به عنوان فردی از تربیت شدگان مکتب قرآن و رسول خدا بود. اتحاد اندیشه و عمل در رفتار اجتماعی سیاسی ایشان کاملاً مشهود و متانت و صبر و شکیبایی از خصلت های بارز اخلاق ایشان بود. به طور مثال وقتی حق او برای خلافت، نادیده گرفته شد، از هر وسیله ای برای احقاق حق خود استفاده نکرد؛ چرا که به دنبال تربیت جامعه اسلامی با سیره عملی خود و اشاعه رفتاری مطلوب به لحاظ اجتماعی و سیاسی بود. آن حضرت از میان پیشوایان که همان ائمه اطهار (ع) هستند، به عنوان پرورش یافته مکتب پیامبر (ص) و نمونه کامل عمل کننده به قرآن کریم و برترین شاخص برای نظام تربیتی اسلام است؛ لذا توجه به رفتار اجتماعی و سیره تربیتی ایشان می تواند راه را برای دست یافتن به تربیت اجتماعی مورد نظر اسلام فراهم سازد. از منظر قرآن کریم، دعوت پیامبران بخصوص حضرت محمد (ص) حول محور تربیت و تکمیل فضایل اخلاقی قرار دارد. در نتیجه، نظم و ثبات در جامعه، تنها موقعی برقرار می گردد که حقوق و تکالیف انسانها به خوبی مورد عمل واقع گردد و این میسر نمی شود مگر در سایه تربیت صحیح که به مفهوم کلی، شامل جنبه های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی، و دینی است. در این گونه تربیتی، امام چه به عنوان فردی تربیت شده و چه به عنوان فردی تربیت کننده، اسوه ای کامل و بی بدیل است. علاوه بر این، حتی حقوق حکومت بر مردم و مردم بر حکومت نیز در بینش و سلوک امام بصراحت آمده است و در رفتار ایشان عملاً به آن توجه شده است به عبارتی، شناخت رفتار مطلوب اجتماعی در سیره علوی برای ارتقای کیفی عملکرد مردم و حاکمان و زمامداران جامعه اسلامی، بسیار مفید و ضروری است.

پیشینه پژوهش

در مقاله ای با عنوان "تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه"، نوشته رحمت اله مرزوقی و عباس اناری نژاد، به این موضوع اشاره شده است که از منظر امام علی (ع) تربیت اجتماعی به دنبال ایجاد همبستگی و اتحاد بین مسلمانان و تولید محیطی که در آن افراد نسبت به امور اجتماعی همکاری و تعاون داشته باشند، است. در مقاله دیگری با عنوان "سیره اجتماعی امام علی (ع)" از مرکز مطالعات اندیشه قلم، احترام به حقوق و کرامت انسانها، مروّت و مدارا با دوست و دشمن، پایبندی کامل به امور دین، عدالت اجتماعی، برابری اجتماعی و مشورت در امور اجتماعی را از رفتار اجتماعی بارز امام و سیره تربیتی ایشان می داند. محمد مولوی در مقاله ای تحت عنوان

"اصول و مبانی اخلاقی سیاست در دیدگاه امام علی (ع)"، به ارتباط اخلاق و سیاست در دیدگاه امام علی (ع) پرداخته و نتیجه گرفته است که از نظر امام علی (ع)، سیاست بایستی تابع اخلاق باشد، امام جامعه ای را در حال پیشرفت می داند که سیاست در آن جامعه مبتنی بر اخلاق و اصول اخلاقی است.

در مقاله ای با عنوان "تبیین مؤلفه های سیاست اخلاقی امام علی(ع) پس از رسیدن به امامت و حکومت"، از حسین و فاطمه سلطان محمدی در مورد فلسفه سیاسی علی(ع) و توجه به آخرت و اصالت، اخلاق، پرهیز از دنیاگرایی، و رعایت اصول اخلاقی و سیاسی توسط امام نوشته اند، آنها در مقاله خود اشاره می کنند که از دیدگاه امام علی(ع) حکومت پیمانی است سه جانبه میان خدا و مردم و حاکم، در حکومت علوی عمل کردن به دین خدا و رعایت حقوق خلق در هم می آمیزد و قدرت فقط از راه های مشروع و ارزشمند، استمرار می یابد. علی محسنی در مقاله خود با عنوان "امام علی (ع) و رویکرد مردمی به مقوله حکومت و خاستگاه آن" مؤلفه ها و لوازم تحقیق مردم سالاری دینی نظیر تعلق حکومت به مردم و نقش تعیین کننده مردم را در انتخاب حاکمان با استناد به رهیافت حضرت علی(ع) به مثابه تجسم عینی قرآن و عصاره سنت نبوی، تجزیه و تحلیل نموده است. در مقاله مقصود رنجبر با نام "اخلاق سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)" رفتار اجتماعی و سیاسی ایشان مورد توجه، واقع گردیده و مهمترین مؤلفه های نگرش اخلاقی امام به اجتماع و سیاست را عبودیت الهی، آخرت گرایی و عدالت محوری دانسته است. در بررسی مریم پویا و حسینعلی صیادی تحت عنوان مقاله ای به اسم "اخلاق سیاسی امام علی (ع) در نهج البلاغه"، سیاست و اخلاق سیاسی از منظر امام علی (ع) مورد مطالعه قرار گرفته شده جوانب متعدد رفتار و اخلاق اجتماعی و سیاسی امام بررسی شده است. به عبارتی حقیقت خواهی و عبودیت مطلق الهی موجب می شود که ایشان نگاهی ژرف به جایگاه اخلاق در رفتار اجتماعی سیاسی داشته باشد. در مقاله ای که برگرفته از پایان نامه رضا جعفری تحت عنوان "الگوی تکریم مردم در تعامل سیاسی از منظر نهج البلاغه" است، تکریم مردم در تعامل سیاسی در سیره علوی، امری برجسته به حساب آمده است. نویسنده مقاله، معتقد است در جامعه ای که مردم از عزت برخوردار و حق خود را استیفا نمایند، امور متناظر به آنان، بر بستر عدل، جاری و زمینه فرهیختگی مردم، فراهم خواهد گشت؛ چنین تعاملی بر محور تکریم استوار است. زهره دانشگر در پایان نامه کارشناسی خود با عنوان "سیره سیاسی امام علی (ع) در دوران حکومت ایشان" از آن به عنوان الگوی حکومتی که دقیقاً با مبانی اسلام مطابقت داشته است، یاد می کند.

امام علی(ع) پرورش یافته مکتب نبوت

امام علی (ع) فرزند ابوطالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف از طایفه بنی هاشم از قبیله قریش و مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف بود که در مکه، اسلام آورد و با پیامبر (ص) به مدینه هجرت نمود. در مکه به خاطر قحطی و ضعف مالی ابوطالب، علی(ع) نزد پیامبر (ص) رفت و تحت تربیت ایشان قرار گرفت(حسن ابراهیم حسن، ۱۳۷۶، ص ۳۰۵). او از کودکی به فضایل اخلاقی آراسته بود زیرا در خانه پیامبر(ص) بزرگ شده بود و صفات و خلق و خوی او را فرا گرفته بود؛ همچنین بسیار مورد اعتماد پیامبر(ص) بود، و ایشان مهمترین کارها را به علی(ع) می سپرد. در نتیجه مصاحبت طولانی با پیامبر در مسائل دین و تفسیر و حدیث و حل دعاوی،

روشن و دانا بود در فصاحت، زبازد خاص و عام بود و کلامش در دلها نفوذ می کرد. در فن خطابه همتا نداشت و در شعر از همه خلفا، پیش تر بود. عمر، خلیفه دوم از مسئله و مشکلی که امام علی(ع) برای حل آن حاضر نباشد، به خدا پناه می برد. (همان، ص ۳۲۸). او در اجرای حق بسیار سخت (همان، ص ۳۰۷) و همواره، یاور اسلام و به شجاعت مشهور بود. علی(ع) به مروت و جوانمردی، وفا و حفظ عهد و پیمان و حراست از اموال مسلمانان شهره بود (همان، ص ۳۲۷).

به هنگام هجرت مخفیانه ی پیامبر (ص) شبانگاه جامه او را پوشید و در بستر او خوابید، یکی از بهترین القاب برای تفسیر شجاعت علی(ع) فاتح خیبر بودن اوست (همان). هر آیه ای را که از او می پرسیدند، می دانست به شب نازل شده یا روز؛ در دشت نازل شده یا کوه. برای پیشبرد مقصود خویش به هر وسیله ای چنگ نمی زد و این در حالی بود که رقبای او از حيله و ارتکاب به هر نیرنگ و دسیسه ای دریغ نداشتند(همان، ص ۳۲۸).

جامعه ای که اسلام در آن ظهور کرد، جامعه ای ناهمگون بود. از بزرگترین اقدامات رسول خدا(ص) متحد ساختن این جامعه و برای مدتی ساختن امت واحده بود. بین دعوی پیامبر(ص) و باورهای جامعه جاهلی، تناقض اساسی وجود داشت، باورهایی که سالهای سال، اعراب شبه جزیره با آن خو گرفته بودند؛ لذا اسلام آوردن برخی از قبیله های عرب، صرفاً به لحاظ آشنایی با مبانی و مسائل دینی نبود؛ بلکه به منزله پذیرفتن حاکمیت سیاسی دین اسلام بود. آشنا شدن آن مردم با مبانی عقیدتی به زمان طولانی تری نیاز داشت و در بسیاری موارد، این فرصت هم به سبب آنکه آنان دیرتر به اسلام گرویدند، برایشان پیش نیامد. برخی آیات قرآن نیز بر این مطلب دلالت دارد(آل عمران، آیه ۱۵۹).

ایمان، هنوز در دل برخی از مسلمانان، نفوذ عمیقی پیدا نکرده بود و رسول خدا(ص)، نیز نمی توانست بر آنها سخت بگیرد؛ چراکه ممکن بود از اطراف او پراکنده شوند؛ همچنان که عده ای از این مردم، بدون سخت گیری هم مرتد گردیده یا به روم پناهنده شدند. تناقضی که از آن یاد رفت، در بیانات امام علی(ع) به آن اشاره شده است. ایشان در این زمینه می فرمایند: «کار من و شما یکسان نیست، مردم! من شما را برای خدا می خواهم، اما شما مرا به خاطر دنیایان می خواهید»(نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶). شناخت شرایط زمانی و مکانی آن رویدادها می تواند درک درستی از ماهیت شان به ما بدهد و پاسخ بسیاری از سؤالهای ما باشد؛ عده ای از اعراب مثلاً اعراب جنوب تا سال هشتم هجری مسلمان نشده بودند و اسلام بسیاری هم که مسلمان شده بودند، بیشتر به اجبار یا با تألیف قلوب بود و ایمان در قلبشان نفوذ نکرده بود(حجرات، آیه ۱۴). در نتیجه، نمی توان انتظار داشت با رحلت پیامبر(ص) رفتاری مبتنی بر رعایت اصول دین و سیره پیامبر(ص) داشته باشند.

انصار به محض شنیدن خبر رحلت پیامبر(ص) بدون اینکه در کنار بدن مطهر رسول خدا حاضر شوند، در منزل سعد بن عباد، رئیس قبیله خزرج جمع شدند و پس از آنکه تعدادشان زیاد شد و منزل سعد، گنجایش آنها را نداشت، به سقیفه بنی ساعده که معمولاً برای مسائل مهم در آنجه جمع می شدند، گرد آمدند.(ابن ابی الحدید،

۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۳) و این آغاز اختلاف در میان مسلمانان برای رهبری و جانشینی پیامبر (ص) بود. سعد بن عباد در سقیفه، مدینه را شهر انصار خواند و آنان را به عنوان مدافعان و نخستین پناه دهندگان پیامبر (ص) دانست و به همین دلایل، انصار را برای خلافت از سایرین مناسب تر دانست (طبری، ج ۳، ص ۲۲). در این اثنا، ابوبکر به همراه عمر بن خطاب و ابوعبیده ثقفی به سقیفه رفته و اعتراض کردند. بعد از آنکه انصار نتوانستند از سخنان خود نتیجه ای بگیرند، پیشنهاد شراکت در خلافت را دادند به گونه ای که امیری از قریش و امیری از انصار برگزیده شود که این پیشنهاد هم پذیرفته نشد.

عمر و ابوعبیده با ابوبکر به عنوان خلیفه بیعت کردند او به انصار وعده داد که بدون مشورتشان کاری انجام ندهد ولی این وعده هیچگاه، جامه عمل به خود نپوشید و عملی نگردید (طبری، ج ۳، ص ۲۰۵). عجله و عدم بردباری انصار برای تصاحب خلافت عملاً ابوبکر را در موقعیت سخنگو و ادامه دهنده اتحاد مسلمانان قرارداد و این گونه بود که ماجرای سقیفه به خلافت ابوبکر به عنوان اولین جانشین پیامبر (ص) منتج گردید. این جریان، آغاز دسته بندی و تفرق در جهان اسلام بود.

حسن بن موسی نوبختی نوشته است: پس از رحلت پیامبر (ص) مردمی که مسلمان شده بودند به سه فرقه تقسیم گردیدند:

- ۱) گروهی که به آنها شیعه می گویند و هواخواه علی بودند و همه تیره های شیعه از آن برخاستند.
- ۲) گروهی دعوی فرمانروایی و سلطنت کردند و آنان انصار پیغمبر بودند که مردم را به امارت سعد بن عباد خزرجی می خواندند.
- ۳) طرفداران بیعت با ابوبکر (نوبختی، فرق شیعه، ص ۴ و ۳).

همزمان با کشمکش انصار و مهاجر بر سر جانشینی، پیکر مطهر پیامبر (ص) منتظر مراسم تجهیز و تکفین و تدفین بود که این امر بسیار مهم توسط امام علی (ع) با کمک چند نفر دیگر از بنی هاشم انجام گردید. ابتدا مردان و سپس زنان بر پیکر مطهر پیامبر (ص) نماز خواندند (ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۳۲). اکثر قریب به اتفاق منابع تاریخی و روایی اهل سنت هم که تعدادشان به دهها عنوان می رسد و همگی توسط نویسندگان قدیمی به رشته تحریر در آمده اند، در این زمینه با هم مشترک هستند و این موضوع، نشان دهنده این واقعیت است که صبر و متانت حضرت علی (ع) حتی برای احقاق حق خود یعنی جانشینی پیامبر (ص) قابل تأمل و ستودنی است. ایشان در آن برهه از زمان با عنایت به اولویت غسل و کفن پیامبر (ص) در سیره عملی خود، ثابت می کند امورات جامعه اولویت بندی داشته و حرمت پیکر پیامبر (ص) از مسایل دیگر مهمتر است.

حضرت علی (ع) از اینکه حقوقش غصب شده و در جامعه اسلامی انحراف پدید آمده بود، به شدت آزرده خاطر بود؛ چنانکه با استدلال های متفن خویش، مناقشه مهاجر و انصار را در سقیفه مورد اعتراض قرار داد و بعدها نیز در خطب؛ ششقیه، گله مندی شدید خود را اظهار داشت (نهج البلاغه، خطبه ۳). حضرت به دلیل مصالح اسلام با

آنان که روی کار آمدند، به مخالفت آشکار نپرداخت و به جهت همان مصلحتها پس از مدتی با آنان بیعت کرد تا اسلام حفظ گردد(جرداق، ۱۳۸۷، ج ۱، پاورقی ص ۱۸۸). حفظ حرمت پیکر مبارک پیامبر (ص) و انجام مراسم او به مراتب در دیدگاه امام علی (ع) از تعجیل برای انتخاب جانشین و کشمکش بر سر خلافت؛ حائز اهمیت بیش‌تری بود. ضمن آنکه امام خود را برای خلافت از سایرین محق تر می دانست و اصولاً خلافت را حق مسلم و محفوظ خود به حساب آورده و نیازی در شتاب نمی دید. بدون شک منطقی‌ترین و واجب‌ترین کار ممکن همانی بود که ایشان انجام دادند و این سایرین بودند که به مراسم پیامبر(ص) حرمت نگذاشته و تعیین تکلیف ریاست و خلافت را مهمتر دانستند.

رفتار امام علی(ع) پیش از خلافت

در تربیت و سیره اجتماعی امام، همه ابعاد انسان اعم از هویت فردی و روح جمعی مورد توجه قرار دارد؛ به عبارتی ایشان اصالت را هم با فرد می‌داند و هم با جمع(محقق و صحابت، ۱۳۹۶، ص ۱۵). تشویق به همدلی و داشتن روحیه برادری و اجتناب از اختلاف و تفرقه از هدفهای مهم تربیت اجتماعی ایشان بود(همان ص ۱۵). یکی از بارزترین مثالهای این واقعیت را می‌توان واکنش ایشان در مورد جریان خلافت دانست. امام به حق خود، آگاه بود و در قدم نخست با ابوبکر بیعت نفرمود(جعفری، ۱۳۶۸، ص ۷۸). با آنکه ابوبکر از امام علی (ع) خواست تا به مسجد رفته و با او بیعت نماید، امام به مسجد نرفت و از بیعت خودداری کرد. عمر بن خطاب بار دیگر به همراه عده‌ای به دنبال ایشان فرستاده شد تا امام را که با یارانش در خانه خود جمع شده بودند، به مسجد ببرد. ایشان با آنکه به مسجد رفت، باز هم بیعت نکرد؛ لکن پس از مشاهده به خطر افتادن اسلام و آسیب طغیان همه جانبه قبایل عرب، چاره‌ای جز مماشات با نظام حاکم ندید. در طول مدت خلافت خلیفه اول (ابوبکر) با آنکه در جنگهای اهل رده، نقش فعالی به عهده نگرفت اما دلسوزانه به تصحیح موارد اشتباه دستگاه حاکمیت و خلافت می‌پرداخت و به عنوان یک منتقد دلسوز از سیاستهای نادرست آنها انتقاد می‌نمود (همان).

مشورت‌های حکیمانه امام خصوصاً مشورت‌هایی را که به خلیفه دوم می‌داد، نباید از نظر دور داشت و در زمان عثمان، این خود خلیفه بود که به خاطر دخالت نزدیکانش در همه امور از مشورت با علی (ع) چشم پوشید(حسن ابراهیم حسن، ۱۳۷۶، ص ۳۰۶).

باید گفت نگرش امام به خلافت شیخین یعنی ابوبکر و عمر حالتی مدارایی بود و دلیل آن، حفظ اصل رسالت و گسترش دعوت اسلامی بود(جعفری، ۱۳۶۸، ص ۷۷). امام در کنار توجه به ویژگیهای فردی هر انسان به شرایط اجتماعی او هم نگاهی ژرف داشت(محقق و صحابت، همان). رفتار اجتماعی امام در مواجهه با خلفا نشان دهنده این طرز تلقی ایشان است.

بدون شک سه راه بیشتر پیش روی امام در قبال حوادث پس از رحلت وجود نداشت:

یک- جنگ و درگیری برای به دست آوردن خلافتی که حق خود می‌دانست.

دو- دوری از تمامی مسائل سیاسی و اجتماعی و گوشه نشینی و عدم دخالت و بی تفاوتی نسبت به امور اسلام و مسلمین.

سه- انزوای نسبی و دوری از دخالت مستقیم در جریان ها و حوادث و در عین حال به اقتضای مصالح مسلمانان از مشاوره و راهنمایی دریغ نکردن.

امام راه سوم را برگزید و البته این به معنای تأیید خلافت خلفا نبود و دلایلی مهمتر از مصالح شخصی داشت. در اینجا نیز مثل همیشه مصلحت اسلام و مسلمین مدنظر امام بود. مواردی مثل جریان ارتداد و پیامبران دروغین و روی برگرداندگان از پرداخت زکات از مهمترین دلایلی بودند که جامعه اسلامی را ملتهب ساخته بود. دیگر آنکه در سایه آرامش، امام علی (ع) می توانست به افرادی که تازه وارد مدینه می شدند، نارضایتی و اعتراض خود را منتقل کند. نمونه هایی از مشاوره های آن حضرت به خلیفه دوم به این قرارند:

عمر در مورد شرکت خود در جنگ با روم از ایشان مشورت خواست و امام ایشان را از حضور مستقیم بر حذر داشت، برای شرکت در جنگ با ایران نیز حضرت، خلیفه دوم را منع نمود و او مشورت امام را پذیرفت. مبدأ قرار دادن هجرت پیامبر(ص) را برای تاریخ اسلام نیز پیشنهاد امام علی(ع) بود که مورد قبول عمر واقع گردید؛ همینطور در سال ۱۹ هجری بر سر تقسیم زمین های کوفه، عمر با اصحاب پیامبر به مشورت نشست و در نهایت پیشنهاد امام علی(ع) مبنی بر حفظ زمین ها برای صاحبان آنها و تنها پرداخت مالیات از طرف آنان را پذیرفت.

خلیفه دوم با آنکه به صحابه بزرگ پیامبر اجازه خروج از مدینه را نمی داد مگر برای موارد ضروری همچون فریضة حج، اما خود در مقایسه با خلیفه اول و سوم به دفعات بیشتری از مدینه خارج می شد و معمولاً از حضرت علی(ع) می خواست که به جای او در مدینه حکومت کند و از دیگران نیز همکاری با او را می خواست، امام برای نشان دادن حسن نیت خود با او موافقت می کرد و حکومت مدینه را می پذیرفت تا موقعی که خلیفه به مدینه بازگردد. امام علی (ع) با آنکه هرگز خودش در جنگ های خلیفه دوم شرکت نمی کرد اما به یاران خود اجازه شرکت می داد و با اجازه خودش برخی از یاران و صحابه راستین او با دستگاه خلافت خلیفه دوم همکاری مستقیم داشته و حتی منصب هایی نیز می گرفتند. به عنوان مثال سلمان فارسی از جانب عمر، استاندار مداین شد.

عمار یاسر در زمان خلیفه اول در جنگ با مسیلمه و در فتح مصر فرماندهی سپاه و استانداری کوفه را نیز به عهده گرفت (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۱۱). مالک اشتر در جنگ قادسیه حاضر بود (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰). جریر بن عبدالله بجلی در حمله به عراق و جده از فرماندهان سپاه بود؛ همچنان که در جنگ قادسیه هم به عنوان فرمانده حضور داشت (یعقوبی، ۱۳۸۵، ق، ج ۲، ص ۳۲ و ۳۱).

صبر، متانت، بردباری و مدارای امام علی (ع) با دو خلیفه اول، وحدت سیاسی مسلمانان را موجب گشت و در اشاعه اسلام در سرزمین های دیگر همچون روم و ایران تأثیر به سزا داشت و این در حالی بود که برای خودکفایی و بی نیازی مادی از دستگاه حکومت به کار زراعت و باغداری نیز می پرداخت تا جایی که در زمان خلیفه دوم زمین

ینبع را شخصاً با تأسیس قنات آباد نمود و آن را وقف خاندان پدری خود نمود تا آنها نیز بی نیاز شده و مجبور نباشند در مقابل حکومت خضوع کنند (بهبودی، ۱۳۶۸، ص ۳۸).

امام علی (ع) در دوره عثمان خلیفه سوم، با علم به اینکه حق امامت از آن اوست، برای حفظ مصالح اسلام بیعت کرد و فرمود: «می دانید که سزوارتر از دیگران به خلافت منم، به خدا سوگند بدانچه گردید، گردن می نهم؛ چندان که مرزهای مسلمانان ایمن شود» (نهج البلاغه، خطبه ۷۴). با آنکه امام به اقتضای شرایط و مصالح اسلام با خلیفه سوم نیز همکاری نمود لکن با احاطه شدن خلیفه سوم توسط نزدیکان و اقوامش از مشورت با امام علی (ع) غافل شد؛ چنانکه مردم گمان می کردند، رابطه آن دو به سردی گراییده است. در جریان محاصره خانه عثمان توسط مخالفان، شاهد اوج همکاری امام هستیم. از اقصی نقاط جهان اسلام ناراضیان از عملکرد عمال خلیفه سوم به مدینه سرازیر شدند. عثمان از امام علی (ع) می خواهد که مردم را به آرامش دعوت کند و امام به شرط آنکه خلیفه به وعده هایی که به مردم داده است، عمل نماید، بین او و مردم واسطه گردید. مردم به جز امام علی (ع) وساطت فرد دیگری را قبول نداشتند. رفتار سیاسی امام علی (ع) در این شرایط نشان از همکاری با خلیفه برای آرام کردن التهاب اوضاع سیاسی است. امام حتی به درخواست عثمان به ینبع در اطراف مدینه رفت و دوباره به درخواست خلیفه به مدینه بازگشت؛ لکن در روحیه مخالفان خلیفه تغییری حاصل نشد.

از زمانی که شورشیان وارد مدینه شدند، تنها کسی که به خاطر اسلام و مصالح مسلمانان از خلیفه دفاع کرد، امام علی (ع) بود. حضرت درباره سعی خویش برای کشته نشدن عثمان چنین می نویسد: «و من! از خدا می خواهم که تو امام مقتول این امت نباشی؛ چه در این حال خواهند گفت: در این امت امامی کشته شد که با کشتن او کشت و کشتار تا روز قیامت فتح باب گردید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴). همچنین می گوید: «او استبداد پیشه کرد و در آن استبداد، مرتکب خطا گردید، شما نیز بی تابی کردید و در این کار راه غلط پیش گرفتید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۰). در اینجا شاهد دوراندیشی سیاسی امام هستیم؛ چرا که عواقب آن رویدادها را پیش بینی می کرد.

قتل عثمان بهترین بهانه برای بنی امیه شد تا به وسیله آن به مبارزه با امام علی (ع) و بعد از او با خاندان نبوت بپردازند. در جریان بستن آب به روی عثمان کسی که به خانه عثمان آب رساند، امام علی (ع) بود و این در حالی بود که طلحه در بستن آب به روی عثمان، نقش اساسی داشت؛ همانی که بعدها خونخواه عثمان شد. امام فرزندان خود را به نگهبانی خانه عثمان گماشت تا آنجا که در کارزار با مهاجمان سر و صورت امام حسن (ع) در این ماجرا از خون گلگون گشت و سر قنبر - غلام امام علی (ع) - به سختی مجروح شد، پس از کشته شدن خلیفه، این امام علی (ع) بود که برخلاف خواست شورشیان جسد بر زمین مانده عثمان را نیز به خاک سپرد (طبری، ج ۴، ص ۱۳۸). هرگونه و از هر زاویه ای که به رفتار امام علی (ع) نگاه کنیم متوجه می شویم حلم و بردباری و صبر و شکیبایی سیاسی ایشان اسوه و الگوست. او مصلحت دین خدا را شتابزده فدای منویات شخصی نساخت و در حالی که مطمئن بود حقوقش پایمال شده اما همچنان نسبت به مسایل روز جهان اسلام بی

تفاوت نبود و در عین حالی که شریک حکومت نبود به آن یاری رساند تا منجر به گسترش اسلام در سرزمین های جدید گردید.

رفتار امام علی (ع) در زمان خلافت

پس از قتل عثمان سه روز مردم بدون پیشوا بودند و شخصی به نام غافقی با مردم نماز می گزارد. سرانجام مردم با امام علی (ع) بیعت کردند و امام در این باره چنین فرمود: «ای مردم شما با من همانگونه که با کسان پیش از من بیعت شده است بیعت کردید این بیعت همگانی است و هرکس آن را رد کند از اسلام اعراض کرده است ...» (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۱۷۶). امام از مدینه به عراق عزیمت کرد و به همراه او عده زیادی عازم شدند به جز سه نفر: سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر بن خطاب، محمد بن مسلمه انصاری (همان). موطن و منشأ مذهب تشیع، سرزمین های عربی بوده است. آنچه مسلم است عقاید شیعه از همان آغاز در سرزمین اسلام ریشه دوانید و به زودی کوفه مرکز اصلی آن شد و سپس به سایر سرزمینها از جمله ایران سرایت نمود. (اشپولر، ۱۳۷۷، ص ۳۲۳ و ۳۲۲) قم، خراسان و ماوراءالنهر مراکز بعدی شیعه شدند (همان، ص ۳۲۷ و ۳۲۶). عده معدودی بیعت نکردند که بعضی از آنها نیز همچون مغیره بن شعبه به سوی شام گریختند (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۳۰۷ و ۳۰۶). همین ها بعدها برای جامعه اسلامی در دسر و مصیبت آفریدند.

در طول خلافت کمتر از پنج ساله آن حضرت، تناقضاتی که در میان اعراب تازه مسلمان و رسالت پیامبر (ص) بود همچنان در جهان اسلام حادثه می آفرید و افرادی که پیام اصلی دین اسلام را درک نکرده بودند، محملی شدند برای پرورش و انتقال آن تناقضات و مصائب از دوره خود به ادوار بعد. فتنه ها آفریده شد و خون ها ریخته شد که در نهایت منجر به انتقال قدرت به معاویه و بنی امیه گردید. جنگ جمل، صفین و درگیری با خوارج نهروان در طول مدت کوتاه خلافت امام علی (ع) اتفاق افتاد که نشان دهنده التهاب در جامعه اسلامی و نهادینه شدن بدعتهای ناصواب در خلافت و حاکمیت در زمان خلیفه سوم توسط اقوام و نزدیکان او و توقعات ناحق برخی مدعیان بود.

در سیره علوی می توان والاترین و مطلوب ترین رفتارها را یافت و سرلوحه عمل قرار داد. چه بسیار حکومتهایی که در طول تاریخ بر مردم حاکمیت یافتند و گاهی تنها برای عبرت از آنها نامی آورده می شود؛ لکن سیره امام علی (ع) به خاطر ویژگی های بارز و الهی و انسانی اش همچنان در تاریخ ماندگار خواهد ماند. به عنوان نمونه از ویژگی ها و خصوصیات بارز سیره امام می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- وقتی توصیه های امام علی (ع) به عاملان و استانداران ایشان را در قالب نامه ها، خطبه ها و فرمان های او در نهج البلاغه می بینیم، در خواهیم یافت که در حکومت ایشان رابطه حاکم با مردم دوستانه، انسانی و شرافتمندانه است. در این حکومت گرفتاری و مشکلات مردم، مشکلات حکومت است و حاکم از پیکره جامعه جدا نیست. در حکومت آن حضرت مردم حق دارند مستقیم با حاکم خود در ارتباط باشند و گرفتاری های خود را مطرح سازند. ایشان می فرمایند: «در هر بامداد و شام، ساعتی برای رسیدگی به امور رعیت معین کن و به سؤالات آنها شخصاً

جواب ده؛ جز زیانت واسطه ای و جز چهره ات، حاجبی بین خود و مردم قرار مده». (نهج البلاغه، شهیدی، نامه ۶۷، ص ۳۵۲ - ۳۵۱).

ب- اعتماد به مردم و شفافیت و پرهیز از پنهان کاری از دیگر نکات بارز حکومت حضرت است. امام می فرماید: «هیچ سّری را از شما مکتوم ندارم جز اسرار جنگی در مواقع ضروری» (نهج البلاغه، فیض الاسلام، نامه ۵۰، ص ۹۸۲).

ج- مشورت با مردم و بهادادن به افکار عمومی؛ در حکومت ایشان مردم حق دارند در سرنوشت خود سهیم باشند؛ چرا که می فرمایند: «من هیچ مسأله ای را بدون مشورت با شما انجام نمی دهم، جز مسئله قضاوت» (همان).

د- تساوی و برابری بین مردم شهرهای دور افتاده و مردمی که به مرکز نزدیک هستند. ایشان در نامه خود به مالک می نویسد: «همانا دورترین ایشان را همان نصیب و بهره ای است که نزدیک ترین آنها دارند و رعایت حق هر یک از ایشان از تو خواسته شده است» (همان، نامه ۵۳، ص ۱۰۱۹). این تساوی در سیره امام در خصوص نزدیکی و دوری به حاکم به لحاظ خویشاوندی و آشنایی نیز بود؛ به طور مثال وقتی عقیل بن ابی طالب برادر حضرت، چیزی بیشتر از حق خود از بیت المال خواست، امام به او نداد و فرمود: «برادر از این مال، بیش از آنچه به تو داده ام، حق نداری» و همین امر باعث شد تا عقیل نزد معاویه برود (حسن ابراهین حسن، ۱۳۷۶، ص ۳۲۸ - ۳۲۷).

ه- توجه به اقشار ضعیف و یکسان بودن فقیر و غنی در نزد ایشان؛ حضرت در نامه ای به کارگزار خود می فرماید: «از خدا بترس درباره زبردستان درمانده، بیچاره و بی چیز و نیازمند و گرفتاری که در سختی و رنجوری و ناتوانی خواهنده است که ذلت و بیچارگی اش را اظهار می کند و هم کسی است که به عطا و بخشش نیازمند است ولی از عزت اظهار نمی کند» (نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۰۲۶).

و- توجه به منزلت مردم و حفظ آبروی آنها در سیره اجتماعی امام علی (ع) به عنوان حاکم جامعه اسلامی مدنظر قرار داشت؛ از این رو، حضرت در نامه اش به مالک می نویسد: «و باید از رعیت کسی را از همه دور و دشمن داشته باشی که به گفتن عیوب مردم اصرار دارد» (همان، ص ۹۹۷).

ز- اصلاح امور با کارگزاران خلیفه سوم که بیشتر آنها از بنی امیه بودند و با چنگ اندازی به بیت المال فربه شده بودند، غیر ممکن بود؛ برای همین، امام علی (ع) بدون واهمه به عزل آنها همت گماشت و تیولی که تصاحب کرده بودند، از آنها باز پس گرفت. امام (ع)، معاویه را نیز از حکومت شام عزل نمود با آنکه در شام قوت گرفته بود و نافرمانی کرد (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۷۶، ص ۳۰۷).

عدم ممانشات با کارگزار فاسد و ناتوان که ایجاد نارضایی در جامعه می کند از عالی ترین رفتارهای سیاسی امام علی (ع) بود.

ح- رفتار امام علی(ع) در جنگ با دشمن نیز مطلوب ترین رفتارهاست؛ چرا که در جنگها نیز، شجاعت و عدم خوف از دشمن، ثبات قدم و استقامت، مأیوس نشدن از شکست و تلاش مجدد برای پیروزی، عفو کردن دشمن بعد از جنگ و مهربان بودن با اسرا، از رفتارهای معمول و رایج او بود.

ط- مزین بودن امام علی(ع) -حاکم جامعه اسلامی- به ایمان، علم، تقوا و فضیلت مهم امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی های بارز سیره ایشان است. حضرت در مورد علم می گوید: «هیچ شرافتی همانند علم نیست» (نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۱۰۹، ص ۱۱۳۹).

ی- اتحاد اندیشه با عمل و به فعلیت در آوردن آرمانها و ایده هایی که مردم از ایشان شنیده بودند.

ک- مسئله خانواده و توجه به آن از اولویت های نخستین ایشان بود.

ل- توجه به اجتماع، اقوام و همسایگان از خصوصیات بارز اخلاقی امام به حساب می آمد.

م- یتیم نوازی از گزاره های برتر تربیتی امام علی (ع) است.

نتیجه گیری

در دین مبین اسلام به همان اندازه که هدف در تعلیم و تربیت، متعالی و مقدس است، راه و روش رسیدن به هدف نیز مقدس است. در سیره امام علی (ع) غایت و روش با هم مورد توجه و تقدیس است؛ به عنوان مثال، وقتی ایشان به روشهای گوناگون از ظلم، روگردان است. این روگردانی از ظلم هم هدف است و هم روش، برای تربیت و رساندن انسان و اجتماع به کمال مطلوب. هر کدام از سجایای اخلاقی امام که در رفتار ایشان متبلور گردیده، الگوی بارزی در تربیت اسلامی است که هدف آن کمال جامعه بشری است. سیره عملی امام در تمامی حوزهها می تواند برای ساختن جامعه ای نمونه سرمشق مردم و حاکمان قرار بگیرد. در ارتقای سطح کیفی و توفیق زندگی خانوادگی، تربیت کارگزاران حکومتی، رفتار با دوست و دشمن، تعلیم و تربیت و تمامی عرصه های جامعه بشری رفتار و سیره امام الگویی بی مانند است. مردم و زمامداران جامعه اسلامی اگر بخواهند الگویی کامل و منطبق با مبانی دین اسلام برای جامعه و حکومت داشته باشند، بهترین الگو، حکومت امام علی (ع) است. امام علی(ع) به عنوان فردی که پرورش یافته مکتب پیامبر(ص) بود، در همه احوال با مواضع درست و رفتار نمونه اش بهترین اسوه برای هدف و روش های تربیت اسلامی در رساندن انسان و اجتماع به کمال مطلوب است.

مواضع و رفتار ایشان چه در زمان بعثت و چه در دوران سه خلیفه نخست و چه در زمان خلافت خودش به دور از مصالح شخصی و منافع گروهی در اعلا ترین درجات معنوی و الهی بود. طریقه برخورد با دشمنان در جنگ و صلح و مدیریت منابع انسانی و اقتصادی جامعه و انتصاب کارگزارانی با معیار جامعه اسلامی و پرهیز از ظلم و رسیدگی به محروم می تواند سرمشقی بی بدیل برای همگان در جامعه اسلامی باشد؛ شجاعت، پاکی، عدل، انصاف، توانمندی، هوش و توجه یکسان به فقیر و غنی و همچنین اتحاد اندیشه و عمل از ویژگی های بارز رفتار ایشان بود که می تواند به عنوان مطلوبترین رفتار برای مردم و حاکمان جامعه اسلامی قلمداد گردد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه (۱۳۷۰)، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
- ابن ابی الحدید (۱۳۸۵ ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۶۴)، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ترجمه عباس خلیلی، علی هاشمی حائری، ابوالقاسم حالت، تهران: انتشارات علمی. ۳- احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۵ ق)، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، بیروت: دار صادر.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۷)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهبودی، محمدباقر (۱۳۶۸)، سیره علوی، تهران: نویسنده.
- پویا، مریم، صیادی، حسینعلی (۱۳۹۵)، اخلاق سیاسی امام علی (ع) نهج البلاغه، کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه مشاوره خانواده و تعلیم و تربیت اسلامی.
- جرداق، جرج (۱۳۸۷)، صدای عدالت انسانی، ترجمه سیدهادی خسرو شاهی، قم: بوستان کتاب.
- جعفری، رضا، کریمی، محمود، رشیدزاده فتح الله، (۱۳۹۵)، فصلنامه النهج، شماره ۴۸.
- جعفری، سید حسین محمد (۱۳۶۸)، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمدتقی آیت اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسن ابراهیم حسن (۱۳۷۶)، تاریخ سیاسی اسلام، از آغاز تا انقراض دولت اموی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.
- حسن بن موسی نوبختی (۱۳۶۱)، فرق الشیعه، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران: علمی و فرهنگی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۷۱)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۷)، اخلاق سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، مجله انقلاب اسلامی، شماره ۱۵.
- سلطان محمدی، حسین، فاطمه، سلطان محمدی (۱۳۹۱)، "تبیین مؤلفه های سیاست اخلاقی امام علی (ع) پس از رسیدن به امامت و حکومت"، پژوهش نامه علوی، بهار و تابستان، دوره ۳، شماره ۱.

- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (بی تا)، تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت.
- محسنی، علی (۱۳۸۴)، امام علی (ع) و رویکرد مردمی به مقوله حکومت و خاستگاه آن، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، بهار و تابستان، دوره ۱، شماره ۱.
- محقق، حسین، صحابت، سعید (۱۳۹۶) (روابط اجتماعی و اخلاق از دیدگاه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، پژوهشنامه نهج البلاغه، پیاپی ۱۸.
- مولوی، محمد (۱۳۹۵)، "اصول و مبانی اخلاقی سیاست در دیدگاه امام علی (ع)"، پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره چهارده.

Social Optimal Behavior in Accordance with Alavi Tradition and Education

By: Mohammad Reza Hasheminia

Abstract

Since sustainability and promotion is important for any society and any political system, it is necessary to pay attention and apply the right models for the success of societies and political systems. In this regard, if each individual of the Islamic society wants to have a desirable individual and social behavior, the best model for them is the behavior and training of the Alawite tradition. The aim of this study was to investigate the characteristics of desirable social behavior in Alavi education and biography by descriptive research method and collecting information in a library and documentary manner. In response to these questions, what are the characteristics of desirable social behavior in Alawite upbringing and life? And what was the approach of his behavior as a trainee of the school of prophecy in different periods of social life?

It should be said that the achievement of the present article is that Imam Ali (AS) socio-political behavior was not separate from his spiritual and moral behavior and education and Imam Ali (AS) social and political behavior originated from his spirituality, morality and faith, justice and abstinence. Oppression and complete compatibility between action and thought were the prominent features of that Imam's education and social behavior. At the same time, the Imam paid attention to the personal and social dimensions of human personality and did not separate the two, so in his personal and social life, he considered both dimensions together and correctly. In Imam Khomeini's biography, the purpose of educating people was to acquaint them with their duties and responsibilities, to create unity and empathy between people and to avoid divisions and correct shortcomings and to achieve the desired and final perfection of individuals and society.

Keywords: Optimal socio-political behavior, Alawite education and biography, Imam Ali (AS), Islamic society.